
روش‌های تربیت معنوی فرزندان با محوریت سوره لقمان

حلیمه‌خاتون حیدری^۱

فاطمه احمدی^۲

چکیده

در آموزه‌های دینی، تربیت معنوی، تربیتی روحانی، خدامحور و خداگرا تلقی شده و امری لازم و سرنوشت‌ساز به شمار می‌آید، چراکه این نوع تربیت موجبات تقویت اعتقادات انسان به آفریدگار و شناخت وی را فراهم می‌آورد. قرآن کریم به منزله کتابی انسان‌ساز به این نوع تربیت اهتمامی ویژه دارد. در سراسر قرآن آیاتی دال بر تربیت معنوی یافت می‌شود، اما سوره لقمان به شکلی بارز روش‌های این نوع تربیت را بیان کرده است. نوشتار حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای مبتنی بر روش توصیفی _ تحلیلی ضمن تعریف تربیت معنوی، به بررسی این شیوه با محوریت سوره لقمان پرداخته است. یافته‌ها نشان از آن دارد که عواملی چند بر تربیت معنوی فرزندان اثرگذار است؛ از جمله آشنایی با خدا از طریق اسرار آفرینش، یاد قیامت و مشاهده نتایج اعمال، انفاق، همراه شدن با اهل معنویت، مراقبه و محاسبه نفس، عبرت‌گرفتن از گذشتگان.

کلیدواژه‌ها: تربیت فرزندان، تربیت معنوی، لقمان، یاد قیامت، عبرت.

۱. دکترای تفسیر و علوم قرآنی، مدرس جامعه المصطفی العالمیه و موسسه علمی — تحقیقاتی مکتب نرجس، مشهد.

۲. طلبه سطح سه واحد بین الملل مکتب نرجس، مشهد (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه و بیان مسئله

تعلیم و تربیت فرزند از دیرباز در مرکز توجه مکاتب متفاوت قرار گرفته است، اما دین اسلام با نگاهی فراگیر و جامع به انواع تربیت از جمله تربیت اجتماعی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی و معنوی پرداخته است تا زمینه کمال انسانی را فراهم آورد. تربیت معنوی از جمله ابعاد است که اسلام به آن توجه ویژه دارد. اگر تربیت معنوی از دوران کودکی آغاز شود، گورها، ارزش‌ها و استعدادهایی که در درون کودک نهفته است، به یک درخت معنوی باشکوه و تنومند تبدیل می‌شود که هیچ باد شهبانی و شبهات نمی‌تواند بر آن چیره شود. تربیت معنوی همواره در کانون توجه پیامبر؟ص و ائمه اطهار؟عهم نیز بوده است و ایشان سعی در ترویج آن داشتند. امروزه فعالیت رسانه‌های مجازی و تهاجم فرهنگی و تبلیغات مادی‌گرایی از یک سو، تأثیر مهمی بر زندگی افراد به‌ویژه مسلمانان گذاشته است و دسترسی بسیار آسان کودکان به این ابزارها از دیگر سو، مایه دوری کودک از شخصیت، انسانیت و معنویت شده است. پس نیاز است تربیت معنوی کودک بیش‌ازپیش مهم تلقی گردد، زیرا انسان علاوه بر بعد مادی، بعد دیگری دارد که به‌مراتب از بعد مادی باارزش‌تر و مهم‌تر است که همان بعد معنوی است. زیربنای زندگی در دوران کودکی پی‌ریزی شده و سعادت و شقاوت ادوار مختلف زندگی در گرو تربیت دوران کودکی است. توجه به تربیت معنوی کودکان و پرداختن به آن منجر به کاهش آسیب‌های تربیتی خواهد شد.

قرآن کریم نیز سراسر هدایت و تربیت انسان در تمام طول تاریخ را مد نظر دارد، از این نکته غافل نبوده است و تمام آیات و سوره‌ها پیام‌های تربیتی خاص خود را دارند. در این میان سوره لقمان که به بیان سفارش‌های ارزشمند لقمان حکیم درباره تربیت معنوی کودک پرداخته، اغلب با خطاب «یا بنی» آغاز می‌شود و بیان‌گر مداومت ایشان بر آموزش تعلیم دینی به فرزندش است. درباره تربیت معنوی فرزند فعالیت‌های پژوهشی متفاوتی انجام شده، اما کتاب خاصی به شکل مجزا تدوین نشده است. مقالاتی نیز نزدیک به روش‌های این نوع تربیت نگاشته شده است؛ از جمله:

۱. کیانی، معصومه و مهرمحمدی و صادق‌زاده و نوذری، «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۲۶، ۱۳۹۵. در این مقاله رویکردهای موجود در مورد مفهوم تربیت معنوی کودکان بیان شده و سپس توسط آموزه‌های اسلامی نقد شده است.

۲. انتظامی بیان، نرگس، «تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱، ۱۳۹۴. در این مقاله جدای بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی تربیت معنوی، مهم‌ترین راهکارها برای تحقق آن با استفاده از آیات قرآن بیان شده است.

۳. احسانی، محمد و ساجدی، «بررسی تطبیقی عوامل رفتاری تربیت معنوی فرزند در خانواده از دیدگاه اسلام و رفتارگرایی»، معرفت، شماره ۱۹۴، ۱۳۹۲. در این مقاله با روش تحلیلی _ توصیفی دیدگاه اسلام با نظریه رفتارگرایی، در موضوع تربیت معنوی کودک مقایسه شده است.

۴. بوالهری، جعفر، «تربیت معنوی کودکان و نوجوانان»، روانشناسی بالینی، شماره ۳، ۱۳۸۹. در این مقاله به نگارش الگویی از تربیت معنوی در مراکز آموزشی و برای مربیان و خانواده‌ها در مقطع سنی دبستان و راهنمایی پرداخته شده است. در تألیفات نامبرده سعی شده به روش تربیتی فرزند با محوریت تمام آیات قرآن یا احادیث پرداخته شود؛ اما پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی تربیت معنوی در سوره لقمان را واکاوی کرده است و بعد از بیان نکات تفسیری و تربیتی آیاتی از سوره‌های متعدد قرآن کریم به شکل اختصاصی، آیات سوره لقمان را موضوع بررسی قرار داده است. پژوهش حاضر پاسخگوی این پرسش است: در سوره لقمان به چه شیوه‌هایی از تربیت معنوی اشاره شده است؟

۲. مفهوم‌شناسی

برای درک بهتر هر مسئله نیاز به تعریف مفاهیم است که در ادامه به تعریف برخی مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود.

۲. ۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی تربیت

تربیت در زبان عربی مصدر از رُبَّی است و «علم التَّربیه» یعنی علم آموزش و پرورش که به پرورش و تهذیب فرزندان می‌پردازد. (جبران مسعود، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵۸) «تَرْبَى الْوَلَدُ» یعنی فرزند را تربیت کرد. «تَرْبَى» یعنی تربیت و پرورش یافت. «تَرْبَى الْوَلَدُ» یعنی آن پسر صاحب فرهنگ شد. (دانایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۱) رشدکردن و افزودن یا ربب به معنای مالک و سرپرست شدن است. (تقوی‌مندی، ۱۳۹۳، ص ۱۷)

«تربیت» در فرهنگ‌نامه‌های فارسی نیز به معنای پروریدن، پروراندن، پرورش‌دادن، ادب و اخلاق به کسی یاددادن (عمید، ۱۳۵۶، ص ۳۱۱؛ دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۴، ص ۵۵۰) یا ایجادکردن تغییرات مطلوب رفتاری و اخلاقی در کسی آمده است. (انوری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۹۲) در مجموع، تربیت در لغت به معنای پرورش‌دادن و آموزش‌دادن است.

در معنای اصطلاحی نیز به رشد‌دادن یا فراهم‌کردن زمینه رشد یا شکوفایی استعدادها و رساندن قوای نهفته یک موجود به فعلیت است. همچنین رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای شکوفاشدن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق است. (تقوی‌مندی، ۱۳۹۳، ص ۲۰)

در تربیت انسان نیز وضع بر همین منوال است؛ یعنی مربی انسان با استفاده از شیوه‌های تربیتی، همه امکانات و شرایط لازم را برای پرورش شخص مورد تربیت

فراهم می‌سازد تا فرد خودش راه خود را پیدا کند و استعدادهای نهفته‌اش را پرورش بدهد و سپس به فعلیت رساند. (امینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴) پس تربیت همان به فعلیت رساندن استعدادهای متربی در زمینه‌های مختلف توسط مربی است.

۲.۲. مفهوم تربیت در قرآن

در قرآن واژه «تربیت» با این لفظ استعمال نشده است، ولی واژه «تزکیه» که مراد همان تربیت و تهذیب است به‌طور مکرر آمده است. (میرزایی، ۱۳۸۴، ص ۲۱) «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَانْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ در این آیه دو نکته حائز اهمیت است: نخست این‌که یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر؟ ص؟ تزکیه و اصلاح نفوس است و دیگری، تزکیه قبل از تعلیم آمده، یعنی اول پرورش بعد از آموزش. (میرزایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

۲.۳. تعریف معنویت

در تعریف معنویت نیز کتاب‌های لغت از تعابیر متفاوتی استفاده کرده‌اند که می‌توان این تعابیر را در چهار معنا خلاصه کرد: مربوط به باطن و درون؛ مربوط به فکر، عقل، یا احساس؛ درونی؛ دارای جنبه غیرمادی (انوری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۲۳۸)؛ جنبه معنوی و ازگان (عمید، ۱۳۵۶، ص ۹۷۴)؛ اهل معنویت؛ عارف؛ معنویت. (دهخدا، بی‌تا، ج ۴۵، ص ۷۶۳) در مجموع معنویت همان امری است که مربوط به احساسات و درون هر چیز است. در اصطلاح مقصود از تربیت معنوی، تربیت جامعی است که دربرگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی است. (خُلُقُ، ۱۳۸۸، ش ۱۴).

۳. نگاهی به سیمای لقمان

درباره لقمان نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی او را شخصی حکیم دانسته‌اند و می‌گویند پیامبر نبوده است و این مطلب موافق با نظر عده‌ای از مفسرین مانند «ابن عباس و مجاهد و قتاده» است، بلکه اکثراً همین قول را پذیرفته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر مانند «عکرمه و سدی و شعبی» او را پیامبر دانسته‌اند و کلمه «الحکمة» را در این آیه به پیامبری تفسیر نموده‌اند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۷۰) برخی می‌گویند او از معاشران داوود نبی بود و به او اندرز و حکمت می‌داد. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۴۹)

البته با توجه به روایات و نظرات علما، لقمان بنده‌ای بسیار ارزشمند و حکیم است، اما پیامبر نیست. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۷۰) درباره پیامبران سخن از رسالت و دعوت به‌سوی توحید، مبارزه با شرک و انحرافات محیط، مطالبه اجر و پاداش و نیز بشارت و انذار در برابر امت‌ها دیده می‌شود، درحالی‌که در مورد لقمان هیچ کدام از این مسائل ذکر نشده و فقط اندرزهای او به فرزندش بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۵)

امام صادق؟ ع؟ فرمود: «به خدا سوگند که به‌خاطر دارایی و نژاد به لقمان حکمت ندادند؛ بلکه او انسانی بود که در انجام دستورات دینی جدی بود و از گناه اجتناب داشت، همیشه آرام بود و فکر عمیقی داشت، عمر خود را بیهوده صرف نمی‌کرد، آنچه موجب تقویت نفس بود تعلیم می‌گرفت و از سلاطین زمان خود فاصله می‌گرفت». (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۷۷ و ۱۷۸)

در قرآن کریم فقط در سوره لقمان از این حکیم سخن به میان آمده است. (زرهانی، ۱۳۷۲، ص ۹)، «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان/۱۲). همین حکمت و سجایای اخلاقی پایدار و آمدن نامش در قرآن سبب جاودانگی او شده و سوره‌ای از قرآن به وی اختصاص یافته است، زیرا نشان می‌دهد بنده‌ای که سپاس خدا را بگوید خداوند هم به او حکمت و فضیلت عطا می‌کند. (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۹۴)

۴. لقمان و تربیت فرزند

اندرزهایی که لقمان برای فرزند خود بیان کرده، قرآن کریم آن را به منزله برنامه‌های تربیتی آورده است؛ همان روشی که در کشورهای متمدن استفاده می‌شود. (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲) مثلاً از آیه «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ» (لقمان/۱۳) برداشت می‌شود که تربیت اولاد جزو برنامه‌های لقمان بوده و اهمیت شایانی به آن داده است. (تفسیر قرآن مجید، ۱۳۴۳، شماره ۴)

لقمان برنامه تربیتی خود را با فطری‌ترین مسئله که همان توحید و بت‌شکنی است آغاز می‌کند (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳): «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». (لقمان/۱۳) سپس وی را با صفات الهی آشنا می‌کند و از بین صفات خداوند، بر صفت علم و آگاهی تأکید کرده، می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ». (لقمان/۱۶) چون اعتقاد به خداوند و این‌که او بر همه چیز آگاه است برای تهذیب نفس کافی نیست، در مرحله بعد به برخی وظایف به شکل عملی و بدنی اشاره می‌کند و به بیان این وظایف می‌پردازد: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». (لقمان/۱۷) طبق این آیه این وظایف عبارت‌اند از: ۱. نماز؛ ۲. مبارزه با فساد (امر به معروف و نهی از منکر)؛ ۳. استقامت در برابر شدايد. (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸) بنابراین این سوره به سیر تربیت معنوی نیز اشاره دارد.

۵. روش‌های تربیت معنوی فرزند

برای تربیت معنوی فرزند روش‌های متعددی وجود دارد که در سوره لقمان برخی از این روش‌ها بیان شده است؛ از جمله:

۵. ۱. شناخت خدا از طریق مطالعه در اسرار افرینش

تمام جهان، آیات خداست. اگر انسان درباره آیات خلقت بیندیشد، شک و تردیدی

به خود راه نمی‌دهد. (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۸۷) اولین مرتبه دینداری شناخت خدا و ایمان به اوست؛ هر مقدار میزان شناخت انسان به خداوند بیشتر باشد، از دینداری بیشتری برخوردار است. مهم‌ترین هدف تربیت اسلامی خداشناسی فرد است و مربی باید بکوشد خداباوری را در او افزایش دهد. (داوودی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۸) کودک هم به‌تدریج باید با این حقایق آشنا شود و درس‌های خداشناسی را فراگیرد تا رشد عقلی، اعتقادی و ایمانی پیدا کند. آموزش از محتوای ساده به عمیق انجام می‌شود. (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۸۷) معصوم فرموده است: «برترین کارها علم داشتن به خدا است». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۳۵۸۷)

قرآن نیز در آیات بسیاری به اسرار آفرینش برای شناخت خداوند اشاره می‌کند: «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ». (ق/۷) در این آیه از یک سو آفرینش زمین، از سوی دیگر گسترش زمین (بیرون آمدن از زیر آب) و از سوی سوم پیدایش کوه‌ها که ریشه‌های آن به هم پیوسته و مانند زرهی زمین را در برابر فشارهای درونی و بیرونی حفظ می‌کند و از سوی چهارم پیدایش انواع گیاهان با آن‌همه زیبایی بیان می‌شود که همگی دلیل بر قدرت بی‌پایان خداوندند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۲۳۶) از این آیه دریافت می‌شود که نگاه به گیاهان و مناظر طبیعی، عاملی برای ایجاد نشاط و سرور است و دستور داده شده تا آن قدر نمونه‌های قدرت خداوند را ببینید تا ذره‌ای شبیه باقی نماند.

در مکتب انبیا، نگاه باید مقدمه بصیرت، فهمیدن و پندگرفتن باشد. بادوام‌ترین و جامع‌ترین نشاط‌ها، نگاه در آفریده‌های الهی است و در آموزه‌های انبیا این زیبایی‌ها و سرورها وسیله غفلت نیست، بلکه وسیله رشد و قرب است. (قرائتی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۲۰۹)

در سوره لقمان نیز برخی پدیده‌های آفرینش برای شناخت خداوند بیان شده است: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَغِيرَ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ». (لقمان/۱۰) این آیه چند نکته علمی را بازگو می‌کند: ۱. این‌که ستون‌های آسمان قابل رؤیت نیست اشاره به قانون جاذبه و دافعه‌ای دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۰) ۲. تعبیر «مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ» اشاره به تنوع موجودات دارد؛ از ریزترین موجودات تا موجودات غول‌پیکر. (همان، ص ۳۲) از امام رضا؟ ع پرسیدند: چرا خدای تعالی حیوانات را به انواع مختلف آفریده است، نه یک نوع واحد؟ حضرت فرمودند: «تامردم نپندارند که او عاجز است. هیچ صورتی در وهم ملحد پدید نمی‌آید، مگر آن‌که خدا همانند آن مخلوقی آفریده است» (صدوق، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۹) و آیات دیگری که گاه به نعمت‌های الهی اشاره دارد (لقمان/۲۰، ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۷۳) و گاه از مالکیت او سخن گفته است (لقمان/۲۶، ر. ک: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۶۳، مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۷۴؛ مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۳۹ و ۱۴۰) گاه اندیشه را به تدبیر او

در عالم هستی سوق داده است. همچنین آگاهی‌دادن درباره اتفاقات روزانه که هر روز تکرار می‌شوند؛ مانند آمدن شب و روز (لقمان/۲۷، ر. ک: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۶۵؛ مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۴۰؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۸۱)، حرکت کشتی‌ها بر روی آب (لقمان/۳۱) نشانه‌هایی از پروردگار دانسته شده است. هدف خداوند از بیان این مصادیق تکامل روحی و معنوی انسان است. (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۴۶) پس با شناساندن خداوند به فرزند از طریق نشانه‌های الهی می‌توان به رشد معنوی فرزند کمک کرد.

۵. ۲. تکرار یاد قیامت و عوامل نجات و گرفتاری در آن

طبق آیات قرآن افرادی که به معاد اعتقاد ندارند از زمره مسلمانی خارج هستند. (داوودی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۸) از این‌رو یکی از مؤثرترین روش‌های تربیت معنوی، تکرار یاد قیامت و مسائل مربوط به آن است. ایمان به آخرت و یقین به وقوع حساب و جزای آن، یگانه اصلی است که ضامن حفظ انسان از ارتکاب اعمال زشت است و او را از هر مذمت و آبروریزی نگاه می‌دارد و همان مشخص‌کننده ارزش اعمال انسان است. همین ارزش‌گذاری است که انسان را وادار به ملازمت طریق سعادت می‌کند و هیچ چیز دیگری این اثر را ندارد؛ حتی توحید هم که تمامی معارف به آن منتهی می‌شود، چنین اثری ندارد. (کیانی، ۱۳۹۵، شماره ۱۲۶)

آیات زیادی در قرآن مسئله قیامت و پاداش و جزا را بیان کرده‌اند؛ مثلاً در سوره مؤمنون: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ». (مؤمنون/۱۱۵) امام علی(ع)؟ نیز بارها به فرزندشان سفارش کرده‌اند که همواره به یاد قیامت باشند؛ از جمله: «و سرانجام حرکت، بهشت و یا دوزخ خواهد بود، پس برای خویش قبل از رسیدن به آخرت وسایلی مهیا ساز و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن، زیرا پس از مرگ، عذری پذیرفته نمی‌شود، و راه بازگشتی وجود ندارد». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

مسیری که انسان در دنیا می‌رود یا در جهت مقصد اصلی و دوری از افراط و تفریط است که به این ترتیب راه به سرعت طی می‌شود و شخص خود را به بهشت می‌رساند، یا در جهت انحراف از مقصد اصلی که فرد خود را به آتش فرود می‌آورد. بعد دستور داده شده برای خود توشه‌ای بفرستد تا در قیامت نجات یابد. (بحرانی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۵۶)

لقمان نیز بارها از معاد و گرفتاری و نجات در آن به فرزندش یادآور می‌شود: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ». (لقمان/۴) یقین به آخرت مستلزم یقین به توحید و رسالت و همه شرایط و مراحل تقوا است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۲۹) یقین محسنین به دادگاه عدل الهی برای پرهیز از گناه و انجام وظایف، انگیزه نیرومندی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۲)

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهَوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ». (لقمان/۶) توصیف عذاب به مهین (خوارکننده و اهانت بار) به‌خاطر آن است که جریمه در قیامت مانند جرم در دنیا است، افراد مورد بحث در این آیه به آیات الهی توهین می‌کردند. پس مجازاتی که خداوند برای آنان در نظر گرفته علاوه بر دردناک بودن، توهین‌آمیز نیز هست. (همان، ص ۱۷؛ قرآنتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۳۱)

«وَإِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَسَّضْهُ بَعْدَآبِ أَلِيمٍ». (لقمان/۷) تعبیر به «بَسَّضْ» (بشارت ده) در مورد عذاب الهی متناسب با کار مستکبرانی است که آیات الهی را به سخره گرفتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۸) از آنجاکه جزای هر عمل از جنس همان عمل است، این‌جا از عذاب خوارکننده استفاده نشده، بلکه می‌فرماید عذاب دردآور، زیرا کسی که به‌خاطر التذاذ از شهوات دنیا استکبار می‌ورزد و از آیات الهی روی برمی‌گرداند، جزای او در قیمت دردکشیدن است. (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۰۶) و آیات دیگر (لقمان/۸، ۴، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۴)

پس باید فرزند از همان ابتدا متوجه باشد که هر عملی نتیجه‌ای دارد و هستی و انسان بیهوده خلق نشده است و باید مسئولیت کار خویش را برعهده گیرد.

۵. ۳. انفاق

یکی دیگر از روش‌های تربیت معنوی، این است که متربی به بخشش و انفاق مال عادت کند. انفاق نقش مهمی در رهاشدن روح و رشد معنوی دارد، چراکه نشان دل‌کندن از دنیا و مادیات است. (کیانی، ۱۳۹۵، شماره ۲۶) در آیات الهی می‌خوانیم: «... الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى * وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى * إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى * وَلَسَوْفَ يَرْضَى». (لیل/۱۸ - ۲۱)

برخی گفته‌اند: مقصود این است که مال را انفاق می‌کند، آن هم خالصانه، تا طهارت نفس پیدا کند و جان‌ش پاکیزه شود و رشد کند و نتیجه‌اش نیز این است که رضایت‌مندی یا مقام رضا نصیبش خواهد شد. (انتظامی بیان، ۱۳۹۴، ص ۶۶) در نهج‌البلاغه نیز امام علی (ع)؟ فرزند خود را این‌گونه موعظه می‌کند: «ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست‌داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

دلیل این‌که امام از لفظ «میزان» برای فرزندش استفاده کرده این است که او همچون ترازو بین خود و دیگران عادلانه رفتار کند. (بحرانی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۴۷) یکی از جهات عدالت این است که به دیگران نیکی کند؛ چنان‌که دوست دارد به او نیکی کنند. صفت احسان فضیلتی تحت‌الشعاع عفت است. (همان، ص ۲۴۸) وقتی برادرت بخل ورزید تو احسان کن». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) یا در جای دیگر می‌فرماید: «اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد و فردا که به آن

نیازداری به تو بازمی‌گرداند، کمک او را غنیمت بشمار، و زاد و توشه را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی‌داری بیشتر انفاق کن و همراه او بفرست، زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جست‌وجوی چنین فردی باشی و او را نیابی. به هنگام بی‌نیازی، اگر کسی از تو وام خواهد، غنیمت بشمار تا در روز سختی و تنگدستی به تو بازگرداند». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

امام درواقع با آوردن استعاراتی از جمله استعاره صفت حامل توشه برای گیرنده صدقه، ضرورت بخشش مال به شکل صدقه‌دادن و احسان به نیازمندان و فقرا را برای فرزندشان بیان می‌کنند. (همان، ص ۲۵۴)

در سوره لقمان نیز به این اصل اشاره شده است؛ به‌گونه‌ای که این صفت از اوصاف محسنین است: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ». (لقمان/۴) با توجه به فعل مضارع «يُؤْتُونَ» پرداخت زکات باید سیره دائمی باشد و زکات یک تکلیف مالی است. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۲۸) زکات مجرد واجب دینی که مؤمن انجام می‌دهد نیست، بلکه برنامه‌ای است که او را به احسان راه می‌نماید و خواستگاه بخشش و انفاق است. (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۰۲).

بنابراین اگر به فرزند انفاق و بخشش مال آموزش داده شود و او این کار را همیشه انجام دهد، به راحتی می‌تواند در همه امور از مادیات دل بکند و ثمره آن در رشد معنوی بروز خواهد یافت.

۵. ۴. مراقبت و محاسبه مستمر نفس

در تعلیم و تربیت دینی و مذهبی مسئله‌ای به نام مراقبه و محاسبه وجود دارد که علمای اخلاق آن را بیان می‌کنند و عرفا بر روی آن فوق‌العاده تکیه دارند و در متون اسلامی هم توجه زیادی به آن شده است، چراکه اساس، خدا و پرستش حق است، (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۷)

«مراقبه» و «محاسبه» یک اصل در تربیت معنوی است، ولی چون عمل به این اصل مهم‌تر است، طرح آن در روش‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسد. نفس آدمی تمایل زیادی به بیراه‌رفتن و گم‌آلود شدن دارد و اگر مراقبت نشود، به زشتی‌های عالم ماده آلوده خواهد شد و به آن عادت خواهد کرد. پس باید به متریبی روش مراقبت و محافظت از نفس آموزش داده شود تا بتواند خود را مشمول رحمت پروردگار مهربان قرار دهد و از زشتی مصون بماند. (انتظامی بیان، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۰)

در قرآن کریم نیز آیات متعددی متناسب با همین مسئله وجود دارد؛ از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ* وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». (حشر/۱۸) و ۱۹) تعبیر پیش فرستادن از خود قرآن است. تمام اعمال انسان پیش‌فرستاده است. خداوند در این آیه تذکر می‌دهد که‌ای انسان، در این پیش‌فرستاده‌های خود کمال دقت و مراقبت را داشته باش، همان‌طور که وقتی می‌خواهی چیزی را به جایی بفرستی، اول

بررسی و دقت می‌کنی و بعد می‌فرستی. در اینجا بار دیگر «اتَّقُوا» تکرار می‌شود. نخست می‌گوید خودتان دقت کنید و بعد می‌گوید «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»؛ یعنی اگر خودتان دقت نکنید یک چشم بسیار دقیقی شما را کنترل می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸) در آیه بعد نیز نتیجه فاسق بودن را غفلت از خدا، غفلت از قیامت و غفلت از آیات الهی می‌داند که طبق آیه «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (رعد/۱۷۹) این افراد چنان سقوط می‌کنند که پست‌تر از حیوان می‌شوند. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۲۷)

در سوره لقمان نیز این اصل بررسی شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَانٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ* إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مِمَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (لقمان ۳۳ و ۳۴) با توجه به کلمه «اتَّقُوا» ثابت می‌شود که همه ما باید از خدا پروا داشته باشیم و از انواع انحرافات اخلاقی، عقیدتی و عملی بپرهیزیم. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۹۱) در این قسمت از آیه دستوری که داده می‌شود این است که به مبدأ توجه داشته باشید و این دستور نیروی مراقبت را در انسان زنده می‌کند. پس بدون شک کسی که بداند نیروی آگاه و خبیر او را می‌بیند و اعمالش را ثبت و ضبط می‌کند و دادگاه عادل برای رسیدگی به اعمال انسان‌ها تشکیل می‌دهد، کمتر آلوده به گناه می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۹۲) پس تربیت فرزند بر مدار محاسبه نفس بعد معنوی او را تقویت خواهد کرد.

۵. ۵. توجه به عبرت‌ها

بحث «عبرت‌ها در قرآن» دامنه وسیعی دارد. «عبرت» یعنی پندگیری و آن اثر تفکر در جهت حق و در حق است که نتیجه‌اش وجوب ترک دنیا و عمل برای آخرت است و اشتقاق آن از «عبور» است؛ به این معنا که انسان از چیزی به چیز دیگر منتقل می‌شود. نمونه این عبرت‌ها، داستان‌های گذشتگان و مصیبت‌های نازل شده بر آنهاست که با دقت در آنها، ذهن انسان با فرض تقدیر آنها درباره خودش و احوالاتش، به عاقبت خودش منتقل می‌شود که باعث دوری فرد از آن اتفاق می‌شود و بعد حال بازگشت به خدای تعالی در او ایجاد و زمینه خشیت را فراهم می‌آورد. داستان فرعون و عاقبت او برای بیداری کافی است.

سرگذشت پر از نکبت و عاقبت زشت دنیاگرایان می‌تواند عامل خوبی برای گرایش به معنویت الهی باشد. (انتظامی بیان، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۶) قرآن مکرر به این موضوع توجه داده و اثر تربیتی آن را ذکر کرده است؛ برای نمونه خطاب به کافران می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ». (یوسف/۱۰۹) سیر در ارض و گردش در زمین، مشاهده آثار

گذشتگان و ویرانی آبادی‌هایی که با عذاب الهی از بین رفتند، بهترین درس را به انسان می‌دهد و برای همگان قابل لمس است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۹۸) در نتیجه سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۰۴)

ائمه معصومین؟ عهم؟ نیز در سخنان گوهر بار خود این نکته را یادآور شدند که باید به وقایع گذشته توجه کرد و از آن‌ها عبرت گرفت، از جمله در حدیثی از امام علی؟ ع؟ که می‌فرمایند: «پس از آنچه خدا با ابلیس کرد عبرت بگیرید که اعمال فراوان و تلاش‌های مداوم او با لحظه‌ای تکبر، باطل شد، درحالی‌که او شش هزار سال عبادت کرد... عبرت بگیرید چگونه خداوند آن همه عمل دراز مدت او را در اثر یک اندک زمانی تکبر و خودخواهی به‌کلی نابود ساخت!» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ «معروف به قاصعه»).

لقمان نیز توجه به عبرت‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوِجٌ كَالظَّلِّ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ». (لقمان/۳۲) این آیه در واقع در مورد عکرمه بن ابی جهل است که پیامبر؟ صل؟ به هنگام فتح مکه دستور قتل او را صادر کردند ولی او از مکه فرار کرد و در نهایت سوار بر کشتی شد، در آن هنگام تندباد شدیدی فراگرفت که عکرمه عهد کرد اگر سلامت به خشکی برسد نزد پیامبر؟ صل؟ می‌رود و توبه می‌کند. سرانجام او نجات یافت و خدمت پیامبر؟ صل؟ رسید و مسلمان شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ص ۸۹) پس ایمان گروهی از مردم پایدار و دائمی ولی ایمان گروهی، مقطعی می‌باشد؛ یعنی فقط وقتی اسباب و وسایل مادی قطع شود متوجه خدا می‌شوند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۸۶) در حقیقت «خَتَّارٍ وَ كَفُورٍ» در مقابل «صَبَّارٍ وَ شَكُورٍ» است. کفران در مقابل شکرگزاری و پیمان‌شکنی در مقابل صبر و باقی ماندن بر سر عهد (زیرا وفای به عهد فقط برای صابرين امکان‌پذیر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۹۰)

از جمله درس‌هایی که از این آیه می‌گیریم این است که پیمان‌شکنی و ناسپاسی در طول تاریخ انسان را به کفر کشانده است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۸۷) لقمان این عبرت‌آموزی را برای فرزند خویش بیان می‌دارد و یادآور این حقیقت است که از راه‌های تربیت معنوی، توجه‌دادن فرزندان به این عبرت‌ها است.

۵. ۶. همراهی با اهل معنویت

از دیگر عوامل اصلاح و تربیت که به آن توجه بسیار شده، معاشرت با صالحان و نیکان است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹) معنویت امری غیرمحسوس است که در یک فرایند روحی _ روانی ایجاد می‌شود و تأثیر بسیار ظریفی دارد. به این سبب، اگر هم‌نشین و همراه، اهل خدا و معنویت باشد، همراه خود را نیز به‌تدریج، در جهت معنویت سوق خواهد داد. در این روش تربیتی، هم در جهت جذب باید دقت کرد که مصاحب در چه حدی از کمال است و چه اندازه راه یافته است و هم در جهت نفی و دفع که از چه کسانی باید اجتناب کرد. قرآن در هر دو جهت رهنمود دارد. البته جهت

نفی اهمیت بیشتری دارد، زیرا روح لطیف الهی حال معنوی دارد. (انتظامی بیان، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۳) از این رو آلوده نکردنش بسیار مهم است. اجتناب از همنشینی با افراد منحرف و فاسد و در یک کلمه، اهل باطل، محل تأکید قرآن است؛ آنجا که تذکر می‌دهد: «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» (یونس/۳۵) یعنی هر کس اهل حق نیست و مطمئن نیستی که پیرو حق باشد، شایسته رفاقت نیست. با کسانی همراهی کن و پیرو کسانی باش که راه حق می‌روند و به حق رهنمون می‌شوند. (انتظامی بیان، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۳) از جمله کسانی که اهل حق‌اند و روایات متواتر شیعه و اهل سنت آن را بیان کرده‌اند، امام علی؟ ع؟ است. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۶۹) حق همراه علی است و علی همراه حق است. (الحسینی المرعشی، [بی‌تا]، جزء الخامس، ص ۲۸ و ۶۳۷) یا درجایی پیامبر اکرم؟ صل؟ فرمودند: حق با علی است هر جا میل کند» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱۸) هرکس از غیر خدا پیروی کند از هدایت الهی نافرمانی کند این نشانه کوته‌فکری و نابخردی او است. (رفسنجانی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۴۲) در این قسمت از آیه که خداوند می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ» درواقع از مردم می‌خواهد که خودشان قضاوت کنند که در شرایطی که فقط خدا هدایت می‌کند نه شریکان هدایت و خود شریکان نیز به وسیله دیگران هدایت می‌شوند، آیا پیروی از خدا ترجیح دارد یا از شریکان؟ جواب کاملاً مشخص است که پیروی از کسی که به حق هدایت می‌کند ترجیح دارد، ولی مشرکان برعکس عمل می‌کنند و خداوند با «فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» آنان را توبیخ می‌کند. (رک: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۹۱ و ۹۲) در احادیث زیادی نیز اجتناب از شیطان و عوامل فساد بیان شده است؛ از جمله:

امام محمدباقر؟ ع؟ می‌فرماید: «برحذر باش و با خوف جدی و صادقانه، خودت را از ابلیس محافظت کن». (الحرانی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۳) همان‌طور که گفته شد در این قسمت باید توجه شود که فرزند ما باید با چه کسانی همراه شود و از نزدیکی به چه کسانی اجتناب کند؛ در سورة لقمان نیز بیان شده است که از چه کسی باید پیروی کرد و از چه کسانی اجتناب ورزید و نتیجه هرکدام را نیز بیان می‌کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ* وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ* وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ». (لقمان/۲۱ - ۲۳)

از آنجاکه پیروی از نیاکان جاهل و منحرف جزو هیچ‌یک از طرق سه‌گانه هدایت نیست، قرآن از آن به‌عنوان راه شیطانی یاد می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۸) خداوند می‌فرماید پیروی کنید آنچه را خدا نازل کرده درحالی‌که می‌توانست بگوید از قرآن یا کتاب تبعیت کنید پس تأکید می‌کند که دعوت رسول خدا با حجت و برهان است، برعکس طرف مقابل که با زورگویی و با تحکم و بدون هیچ حجتی

می‌گویند ما از پدرانمان پیروی می‌کنیم. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۶۰)

در حقیقت قرآن پیروی کردن از نیاکان را که دارای پوشش فریبده است کنار می‌زند و چهره واقعی عمل آن‌ها را که همان پیروی از شیطان است آشکار می‌کند. شیطان که مسلماً به‌سوی دوزخ دعوت می‌کند، پس اکنون آیا فرد عاقل دعوت پیامبران را به‌سوی بهشت رها می‌کند و دنبال دعوت شیطان به‌سوی جهنم می‌رود؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۸) «أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (لقمان/۲۱) و در این قسمت که استفهام انکاری به کار رفته است بیان می‌کند که پیروی در صورتی به حق و بجاست که پیروی‌شوندگان برحق بوده [باشند] و اما اگر خود آنان باطل باشند، پیروی از آن‌ها باعث شقاوت و عذاب سعیر می‌شود؛ پس این پیروی صحیح نیست. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۳۶۰) پس هر راهی جز وحی بیراهه است و به عذاب دوزخ منتهی می‌شود؛ مثل پیروی کردن از افکار پوچ نیاکان که سرانجامش دوزخ است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۷۴) در آیه ۲۱ دیدیم که گروهی به نیاکان منحرف خود دلبسته‌اند، اما در آیه ۲۲ می‌بینیم که نیاکان و پاکان به خدای متعال دل می‌بندند. همچنین در آیه ۲۱ صحبت از دعوت شیطان و کشاندن انسان‌ها به دوزخ بود، اما در آیه ۲۲ راه نجات از وسوسه‌های شیطان را که همان تسلیم‌بودن در برابر خدا و انجام کار نیک است بیان می‌کند. (همان، ۲۷۵) سپس در دو آیه بعد حال دو گروه از مؤمنان و کافران را بیان می‌کند و با یکدیگر مقایسه می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۸) این مقایسه خود یکی از راه‌های شناخت و انتخاب است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۷۷)

با توجه به اهمیت هم‌نشین و تأثیر آن بر فرد باید کودک را در انتخاب دوست و هم‌نشین کمک کرد و معیارهای یک دوست خوب که یکی از آن‌ها اهل حق بودن است، به او شناسانده شود.

۵/۷. تلاوت آیات الهی و انس با قرآن

تأثیر عمیق قرآن کریم در گذشته و امروز و تا قیامت تردیدناپذیر است. در طول تاریخ، این کتاب آسمانی، قسی‌ترین دل‌ها را نرم کرده و در دامن خود از تربیت‌شدگان زمان جاهلیت انسان‌هایی ساخت که جان خود را به‌راحتی در راه خدا دادند. قرآن کریم به زبان خود، نور، هدایت، حیات و شفاست و در صورت عمل به آن تمام مشکلات انسان حل می‌شود. و باید بدانیم که خدا خواسته ما با قرآن هدایت شویم. پس بر ما واجب است به آن تمسک جویم و پیوسته آن را تلاوت کنیم. (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷) یکی از عوامل تحقق تربیت معنوی که می‌تواند روشی بسیار مؤثر باشد، انس با کلمات ربوبی و پیام‌های عالم معناست.

مربیان بزرگ الهی با تلاوت آیات الهی برای متربیان خود می‌کوشند نفوس آنان را از آلودگی‌های عالم ماده پاک و با منبع معنویت آشنا سازند. (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴، شماره ۱، ص ۶۱) ائمه معصومین نیز به آموزش قرآن اهتمام خاصی داشتند و خواندن قرآن را به کودکان می‌آموختند. (داوودی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳) برای

مثال سخنان امام علی؟؟ خطاب به فرزندشان را می‌بینیم که می‌فرماید: «آموزش تو را با کتاب خدا و تفسیر آن و [با آموزش] شرایع اسلام و احکام و حلال و حرام آن آغاز کردم». (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۹)

در نهج البلاغه نیز امام علی؟؟ از حقوق فرزند نسبت به پدر و مادر تعلیم قرآن را بیان می‌کنند: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نیکو نهد و نیکش ادب آموزد و قرآنش تعلیم دهد». (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

در سوره لقمان نیز به توجه به قرآن و مایه هدایت بودن آن اشاره شده است: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ». (لقمان/ ۲ و ۳)

این‌که کتاب را با حکمت توصیف کرده، یعنی قرآن مثل دانشمند حکیمی است که در عین خاموشی با هزار زبان سخن می‌گوید، موعظه می‌کند، تعلیم می‌دهد، انداز و بشارت می‌نماید و استفاده از این آیات تناسب مستقیمی دارد با سخنان لقمان حکیم که در سوره لقمان آمده است. (مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۱۰) هدایت نیز مقدمه‌ای برای رحمت پروردگار است، زیرا اول انسان حقیقت را در پرتو نور قرآن پیدا می‌کند و به آن ایمان می‌آورد و سپس به آن‌ها عمل می‌کند و به دنبال اینها مشمول رحمت و اسعه خداوند می‌شود. (همان، ص ۱۱) پس قرآن انسان را به‌سوی حقیقت هدایت می‌کند و به آن می‌رساند (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۲۳۹) و در این زمینه هیچ گونه نقص و نارسایی ندارد. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۲۸)

خداوند در یک جا، قرآن را مایه هدایت متقین می‌خواند: «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲) و در جای دیگر آن را مایه هدایت و بشارت مؤمنان می‌داند: «هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ». (نمل/ ۲) در این سوره، قرآن را مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران می‌شمرد: «هُدًى وَ رَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ». پس قرآن مراحل سه‌گانه تکامل را دربردارد و مایه هدایت، بشارت و رحمت است. (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۰) پس با آموزش قرآن به فرزند، علاوه بر ادای حق او، روح کودک با قرآن انس می‌گیرد در نتیجه به راحتی به رشد و کمال می‌رسد.

نتیجه‌گیری

اسلام تمام جوانب تربیت را در نظر گرفته است. تربیت معنوی که بُعد روحی و معنوی انسان را شامل می‌شود با اهمیت‌ترین قسمت این تربیت به شمار می‌رود. بیان لقمان با جمله «یا بنی» نشان از آن دارد که کلام زیبا و پراحساس و دست‌گذاشتن بر رابطه پدر و فرزندی و یا مادری و فرزندی بر تربیت فرزند تأثیرگذار است. مراحل تربیت معنوی بیان‌شده در سوره لقمان که به ترتیب و یکی پس از دیگری بیان می‌شود عبارت است از: توحید (آشنایی فرزند با پدیده‌هایی و آفریده‌ها، تدبیر، مالکیت و...) به یاد قیامت، حسابرسی، عبرت گرفتن و.... شاید انتخاب هم‌نشین شایسته و اهل معرفت قسمت دیگری از تربیت است. لقمان برای تربیت معنوی توصیه به مراحل گام‌به‌گام

دارد که می‌توان با آن زمینه‌های تقویت تربیت معنوی فرزند را فراهم آورد.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه).
۲. انوری، حسن، (۱۳۸۸)، *فرهنگ فشرده سخن*، ج ۱ و ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سخن، چاپخانه مهارت.
۳. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، (۱۳۸۵)، *شرح نهج البلاغه ابن میثم*، ترجمه محمدرضا عطایی و حبیب روحانی، ج ۷، چاپ اول، مشهد، ۱۳۸۵.
۴. بهشتی، محمد، (۱۳۸۸)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانئ آن؛ فیض کاشانی*، ج ۵، چاپ دوم، قم، چاپ سبحان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۵. تقوی‌مندی، مریم، (۱۳۹۳)، *تربیت فرزند از دیدگاه امام علی؟ ع؟*، مشهد، شریعه توس.
۶. جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۷)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۷. الحرانی، ابی‌محمدحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، (۱۳۷۶)، *تحف العقول*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، مصحح علی‌اکبر غفاری، چاپ ششم، تهران، چاپخانه اسلامی.
۸. الحسینی المرعشی التستری، نورالله، (بی‌تا)، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، جزء الخامس، فی بلاد الهندسنة.
۹. دانایی، امیر هوشنگ، (۱۳۸۷)، *المرشد فرهنگ جامع عربی - فارسی*، جلد ۱، تهران، انتشارات نگاه.
۱۰. داوودی، محمود، (۱۳۸۹)، *سیره تربیتی پیامبر؟ ص؟ و اهل بیت؟ ع؟*، ج ۲ (تربیت دینی) زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سبحان، چاپ هفتم.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۵)، *لغت‌نامه*، جلد ۱۴، تهران، چاپ سیروس، انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۱۲. زرهانی، احمد، (۱۳۷۲)، *منشور تربیتی لقمان*، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
۱۳. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۷)، *مربی نمونه (تفسیر سوره لقمان)*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۴. صدوق، محمد، (۱۳۸۱)، *علل الشرایع*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، ج ۱، قم، انتشارات مؤمنین، چاپ دوم.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ج ۱۰، با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا)، *مجمع البیان*، جلد ۱۹، ترجمه ضیاءالدین نجفی، مصحح رضا ستوده، [بی‌جا]، چاپ علی نوراللهی، انتشارات فراهانی، چاپ مشعل آزادی.
۱۷. عمید، حسن، (۱۳۵۶)، *فرهنگ عمید، فرهنگ مفصل و مصور*، تهران، انتشارات امیرکبیر،

- چاپ نواز دهم.
۱۸. قدس میرحیدری، جعفر، (۱۳۸۷)، *تاریخ انبیاء (قصص القرآن) از آدم تا خاتم محمد بن عبدالله (ص)*، تهران، انتشارات تهران، چاپ سوم.
 ۱۹. قرآنتی، محسن، (۱۳۸۵)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ پنجم.
 ۲۰. قرآنتی، محسن، (۱۳۸۵)، *تفسیر نور*، دوره ۱۰ جلدی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، دوره ۱۰ جلدی، چاپ اول.
 ۲۱. کلینی، محمد، (۱۳۸۵)، *اصول کافی*، ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، تهران، انتشارات اسوه، چاپ هفتم.
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۲)، *بحار الانوار*، ج ۱، تهران، چاپخانه حیدری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
 ۲۳. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۸۴)، *میزان الحکمه*، مترجم حمیدرضا شیخی، جلد ۸، قم، دارالحديث، چاپ پنجم.
 ۲۴. مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۸)، *تفسیر هدایت*، ترجمه عبدالمحمد آیتی و احمد آرام، جلد ۱۰، چاپ اول. [بی‌جا، بی‌نا].
 ۲۵. مسعود، جبران، (۱۳۸۰)، *الزائد فرهنگ الفائی عربی - فارسی*، ترجمه رضا انزابی نژاد، جلد ۱، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
 ۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، دوره ۲۸ جلدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم ۱۳۷۱.
 ۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتادوچهار.
 ۲۸. میرزایی، حبیب‌الله، (۱۳۸۴)، *تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر*، مشهد، عروج اندیشه.
 ۲۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۷۹)، *تفسیر راهنما*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.

مقالات

۱. انتظامی بیان، نرگس واحقر، قدسی، (۱۳۹۴)، «تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۵۱ - ۷۰.
۲. سبحانی، جعفر، «لقمان و تربیت اولاد»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال ششم بهمن ۱۳۴۳، شماره ۴.
۳. کیانی، معصومه و مهرمحمدی، محمود و صادق‌زاده قمصری، علیرضا و نوذری، محمود، (۱۳۹۵)، «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۲۶، تابستان ۹۵.
۴. موحدی کرمانی، محمدعلی، (۱۳۸۸) «محاسبه نفس»، *پیام*، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۹۵.

سایت

بهشتی، محمد، (۱۳۸۸)، *روش‌های تربیت معنوی*، نشانی دسترسی:

<https://hawzah.net/fa/magazine/View/6433/7137/86953> 1388.

خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، «بازشناسی تعریف تربیت معنوی کودکان و نوجوانان»، چهارشنبه/ ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ / ۰۹: ۳۲ دسته‌بندی: قم کد خبر: ۹۹۰۳۲۱۱۳۰۰۸، خبرنگار: ۵۰۳۷۰، روز مراجعه: ۱۴۰۰/۳/۲۹ یکشنبه، ساعت (۲۰).